

خانواده و

پیشگیری‌ها



الف - عوامل خانوادگی :

در این زمینه باید به چند دسته از عوامل اشاره کنیم .

۱- پدر و مادر : که دارای دو نقش اساسی وراثتی و محیطی در کودک هستند. در بعد وراثت ، چه بسیارند صفات و خصایص صدمه‌آفرین و عامل انحراف که از پدر و مادر به فرزندان سرایت می‌کنند؛ مثل بسیاری از بیماریهای جسمی و زیستی، چون بیماری قند، سفلیس، بیماریهای قلبی، بیماری اعصاب ، اضطراب ، افسردگی ، صرع ، اختلالات هوشی و عقب‌ماندگیهای ذهنی و ...

و در جنبه محیط رحمی؛ حجم رحم، فشار رحم، وضع شیمیایی داخل رحم ، هورمونهای وارده در خون مادر، RH خون مادر، اعتیادات مادر، وضع غذا و دوی او، غم و شادی مادر، وضع خواب و استراحت او، و از نظر روانی،

در بخش دوم سلسله مقالات " خانواده و پیشگیری‌ها"، به بحث درباره عوامل عاطفی و روانی مؤثر در بروز انحرافات و لغزشها پرداختیم . در این شماره عوامل اجتماعی و اقتصادی را بررسی می‌کنیم .

عوامل اجتماعی

دسته دیگر از عواملی که زمینه‌ساز رشد و یا در بحث ما، عامل انحرافند، عوامل اجتماعی هستند. در زمینه عوامل اجتماعی ، لااقل به سه گروه از عوامل باید اشاره‌ای داشته باشیم : خانواده، مدرسه، جامعه .

به همین‌گونه است وضع کودکی که در خانه خود، با عمه، عمو و... زندگی می‌کند. همه این افراد می‌توانند زمینه‌ساز رشد و شرافت کودک باشند، ولی در مواردی که فردی از این جمع در مسیر لغزش و انحراف باشد، احتمال سقوط کودک و افتادن در خط انحراف برای او اندک نیست و ما در این عرصه نمونه‌ها و مواردی را شنیده و یا گزارش آنها را خوانده‌ایم.

بنابراین مراقبت در روابط اعضای خانه، و مراقبت‌های آشکار و پنهان، در اخلاق و رفتار آنها و تربیت اعضا، بر اساس ضوابط مکتب مورد قبول و القآت و تذکرات، به‌همراه هشدارها و اخطارها در این راه مؤثر است.

۳- خویشان و بستگان: غرض آنهايي هستند

که فامیل و عضو رحم‌اند، ولی در خانه بطور دائم با کودک زندگی نمی‌کنند. آمد و شد و تأثیرگذاری این افراد قطعی، ولی به‌صورت غیردائم است. در این ردیف می‌توانیم از خانواده‌ٔ عمو، عمه، دایی، خاله، پدربزرگ و مادربزرگ، و دیگر وابستگان یاد کنیم که هر کدام به نحوی در رشد و یا انحراف نسل ما مؤثرند.^۲

چه بسیارند کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌های شریف، و در سایهٔ پدران و مادرانی پاک و با تقوی رشد یافتند، ولی بر اثر غفلت والدین، با خویشان و بستگان غیرشریف معاشرت داشته، رنگ و هوای آنان را گرفتند و حتی برخی از آنان به دام‌های سیاسی گرفتار کننده‌ای دچار شده، به سوی فنا و زوال رفتند. اینکه آدمی وظیفهٔ صلح‌رحم و آمد و شد با خویشان دارد، جای انکار نیست،^۵ ولی این امر به هر بهایی قابل تأیید نمی‌باشد. آنجا که ایمان و

حتی طرز فکر و کیفیت اندیشهٔ مادر، اندوه او و... عوارضی در کودک بوجود می‌آورند که بعدها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند عامل سقوط یا انحراف او شوند. حتی وضع زایمان مادر از نظر طبیعی یا غیرطبیعی بودن، ممکن است صدمه‌آفرین باشد.

در جنبهٔ محیط خارج رحم؛ وضع تغذیهٔ کودک از شیرمادر یا شیرهای تصنعی، کیفیت پذیرش یا عدم پذیرش او، وضع احترام به کودک، طرز فکر والدین در نوع تربیت او، سطح فکری و فرهنگی والدین، طرز برخوردشان با یکدیگر و یا با کودک، شیوهٔ آزادی‌بخشی به کودک یا کنترل و مراقبت آنها از طفل، همه و همه در کودک مؤثرند و طفل از آنها درس خوب یا بد می‌گیرد.

بد نیست در اینجا متذکر شویم که نقش مادر در کودک، هم از نظر وراثت و خون، و هم از نظر محیط و جو تربیت بیشتر و مؤثرتر از پدر است.^۳ به همین خاطر، این مادرانند که نسل خود را بهشتی یا جهنمی می‌کنند و اشارهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله که بهشت زیر قدم مادران است،^۴ توجه به همین نکته است. و این مجموعه خود نشان دهندهٔ راهی است که ما در پیشگیری از ورود به خطر باید در پیش بگیریم و پدران و مادران خود به این امر مهم واقفند.

۲- اعضای خانواده: غرض ما از آن، همهٔ

کسانی هستند که در خانه با کودک زندگی و معاشرت دارند، غیر از پدر و مادر. کودک با برادر و خواهر خود در خانه معاشر و همدم است، گاهی در یک خانه پدربزرگ و مادربزرگ هم حضور دارند، زمانی مستخدم و خدمتکاری نیز در خانواده با کودک زندگی می‌کنند، و

فرزندانشان امری ضروری و در بعد صیانت شرافت و اخلاق، اجتناب‌ناپذیر است. با تفاهم و تبادل رأی و نظر والدین و مربیان، کودک و نوجوان تربیت می‌یابند و پدران و مادران را هشیاری در انتخاب مربی و معلم لازم است.

۲- دوستان و معاشران: کودک در مدرسه با گروهی مأنوس و با آنها معاشر می‌شود. از طریق دوستان به ارزیابی وضع خود و خانواده خود می‌پردازد و درمی‌یابد که در چه شرایط مطلوب و یا ناپسندی است، و هم از طریق آنها با فرهنگهای گوناگون خانواده‌ها و پاره فرهنگهای آنان آشنا و زمانی مأنوس می‌گردد.

ممکن است شما والدینی خوب و متعهد، تقاد و ارزیاب، در خط تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، و مراقب رفتار و روابط خود در برابر کودک و هم مواظب رفتار فرزندان و در خط کنترل آنها باشید. شما سعی دارید که فرزندان خود را از صحنه‌های بدآموز دور کنید و مراقبتی بر دیده‌ها و شنیده‌های آنان داشته باشید. ولی معلوم نیست کودکی که در کلاس درس، کنار فرزند شما نشسته است از لحاظ خانوادگی در این وضعیت باشد.^{۱۰} چه بسیارند لغزش‌ها و انحرافات که از سوی دیگر کودکان به فرزندان شما سرایت می‌کنند و بر عکس، چه بسیارند کودکانی که بر اثر غفلت و سهل‌انگاری والدین خود، شاهد روابط و اسراری از آنها بوده‌اند و همانها را برای کودکان دیگر بازگو کرده و زمینه کنجکاوهای فضولانه را در آنان برانگیخته‌اند. و یا چه بسیارند کودکانی که به دام انحرافی افتاده و جریان آن را برای کودکان دیگر بازگو کرده و راه انحراف را به روی آنها گشوده‌اند.

شرافت خانواده و با فرزندى زیر سؤال است، آنجا که خطر سقوط و انحراف مطرح است، یا باید باب روابط را کلاً مسدود کرد، یا آن را محدود نمود، یا آن را مشروط کرد، و یا لاف‌اف‌ل فرزند را در عرصه روابط، صیانت نمود. انحراف لازم نیست که همه‌گاه به صورت جرم و بزهکاری باشد، لذا گاهی به صورت سوء تربیت و یا دوگانگی و چندگانگی تربیت است.^۷ مثل وضع کودکی که خطایی را مرتکب می‌شود و به دامن پدر بزرگ و مادر بزرگ پناه می‌برد تا از شریکفر والدین در امان بماند.

ب- عوامل مدرسه‌ای:

در جنبه مدرسه چه بسیارند عواملی که زمینه‌ساز رشد و گاهی زمینه‌ساز انحرافند. مواردی که در این عرصه باید معرفی شوند بسیار و از آن جمله‌اند:

۱- کارکنان مدرسه، شامل: معلم، مدیر، ناظم، مسؤول تربیتی و حتی مستخدم مدرسه که با کودک در ارتباط است.^۸ نحوه روابط کارکنان مدرسه با کودک، شیوه رفتاری و انضباطی آنها، امر و نهی آنها، اخلاق و رفتار آنها، سرو وضع و پوشش آنها، حضور و تأخیر آنها، صمیمیت یا عدم صمیمیت آنها با کودک، پاکی یا عدم عفت آنها، منطقی یا غیرمنطقی بودن آنها، همه و همه در کودک مؤثر است و در نوجوان هم از دیدی مؤثرتر. و به عنوان تذکر و هشدار می‌گوییم که گاهی نحوه روابط ممکن است انحراف‌آفرین باشد، بویژه در رابطه دختران نوبالغ با معلمان خود که دوشیزه یا بانویی هستند (شیدایی دختران).^۹

به همین خاطر آشنایی و روابط نزدیک والدین، با مسؤولان آموزش و پرورش

دسترس مسئولان مدرسه باشد. شرایط باید به گونه‌ای باشد که مدیر و ناظم بر همه جای آن احاطه داشته باشند و اصولاً زمینه و شرایطی برای وسوسه‌آفرینی موجود نباشد.^{۱۲}

ج - عوامل مربوط به جامعه و مردم :

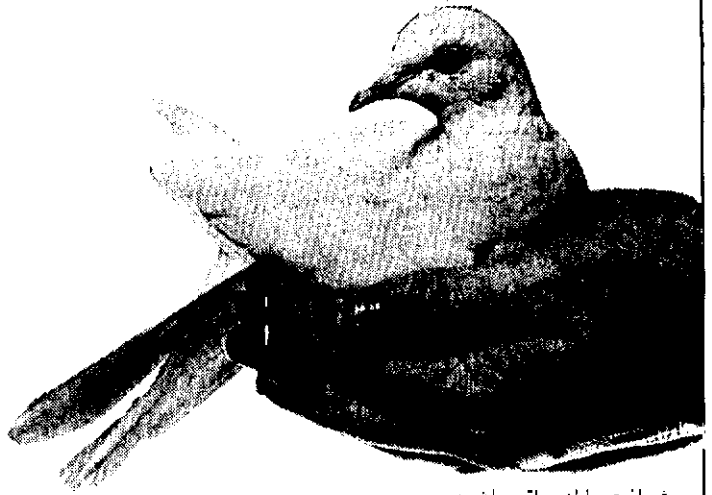
فرزند، در جامعه و با مردم زندگی می‌کند. در سنین مدرسه از خانه بیرون می‌آید و به مدرسه می‌رود. او در فاصله خانه تا مدرسه، شاهد ده‌ها و صدها صحنه درس آموز است که برخی از آنها بدآموزند. ما نمی‌توانیم فرزندان خود را برای همیشه در انزوا نگه داریم و نیز نمی‌توانیم آنها را با چشمان بسته و گوشه‌های پنهان از خانه تا مدرسه حرکت دهیم .

و بدین سان فرزند ما شاهد پاکی‌ها و ناپاکی‌ها، رذالت‌ها و شرافت‌ها، عفت‌داری‌ها و آلودگی‌هاست، و این دیدارها در برخی از موارد درس‌های بدی برای نسل ما، بویژه نوجوانان و یا افرادی است که در شرف بلوغند. رفتار مردم با فرزندان ما، معاملات و خرید و فروش آنها، فریب و نیرنگ برخی از مردم، رعایت حق یا ناحقی برای فرزندان، به حساب آوردن یا طرد فرزندان ما، رعایت عدالت یا زور گویی با آنان، رعایت حق و انصاف و یا بی‌انصافی درباره آنان، همه و همه در ساختن سرنوشت نسل مؤثرند و چه بسیارند عواملی که زمینه‌ساز انحراف نسل هستند. همچنین است طرز برخورد آمران جامعه با کودک و نوجوان^{۱۳}، امر و نهی آنان، کیفیت قضاوت و داوری مسئولان، کیفردهی و پاداش دادن به فرزندان، تأمین امنیت و حمایت، یا به خطر انداختن آن برای نسل و رعایت یا عدم رعایت اصول اخلاقی درباره آنان، می‌توانند زمینه‌ساز

این سخن بجایی است که گفته‌اند اهمیت انتخاب نوع مدرسه و افراد معاشر، از انتخاب نوع حکومت کمتر نیست. لذا ضروری است که پدران و مادران بدانند و دریابند که فرزندان خود را در کدام مدرسه ثبت‌نام می‌کنند و آنان را با چه افرادی همدرس و همنشین می‌سازند. حتی مصلحت ایجاب می‌کند که اولیای یک مدرسه زمینه را برای آشنایی پدران و مادران دانش‌آموزان، بویژه محصلان یک کلاس فراهم و آنها را با هم نزدیک کنند، تا در سایه تبادل‌ات فکری، و آشنایی‌های خطی و مکتبی، مشکل را از دامن تربیت نسل دور نمایند.

۳- عامل مدرسه و محیط آن : نقش مدرسه و محیط آن، یعنی منطقه‌ای که مدرسه در آن واقع است، خود می‌تواند در رشد یا انحطاط افراد مؤثر باشد. هرگاه مدرسه در محله‌ای واقع باشد که همه افراد آن پاک و شریفند، این حالت و وضع در شرافت محصلان، در حین آمد و شد به مدرسه مؤثر است. و بر عکس اگر مدرسه در منطقه‌ای باشد که خدای نخواستہ ساکنان و اطرافیان آن افرادی به دور از خط مکتب و گرفتار انحراف باشند، همان امر در انحراف و به همین فساد کشیده شدن نسل مؤثر است. و به همین خاطر بود که در روزگار پیشین، بویژه در عصر شکوفایی اسلام، سعی بر این بوده است که ضمن قداست دادن به مدرسه، آن را در محیط خوب و حتی در کنار مساجد و در محله‌های سالم دایر کنند.^{۱۴}

ساختمان و بنای مدرسه نیز در سلامت یا دامن زدن به انحراف نسل، نقش مهم و اساسی دارد. ساختمان مدرسه باید ساده و عاری از پیچیدگی ساختمانی و زوایای دور از دید و



شرافت یا انحراف باشند.

بنابراین در پیشگیری از انحراف نسل ضروری است:

- وضع و شرایط جامعه را در حد نیاز و مواجهه، برای آنها تبیین کنیم و به فرزندان تفهیم نماییم که در جامعه، افراد خوب بسیارند، ولی آدم‌های بد نیز اندک نیستند - پس به هر کس اعتماد نکند.^{۱۴}

- در پاکسازی و پاک نگهداری جامعه بکوشیم، که آن وظیفه‌ای شرعی و اخلاقی است و امر نظارت اجتماعی در اسلام برای همه متشرعان فرض است.^{۱۵}

- در فرزندان روحیه دینی و اخلاقی را چندان قوی کنیم که از شرایط بدآموز، درس فساد و انحراف نگیرد، چرا که مقاومت‌سازی فرزندان، سدی در برابر آسیبها و مفساد است. - و در آنگاه که همه راه‌های شرافت‌داری و انسانیت و اخلاق را بر روی خود بسته دیدیم و الحق دین و شرف نسل خود را در خطر یافتیم، وظیفه داریم، محیط و محله و حتی منطقه زندگی خود را تغییر دهیم، و این وظیفه‌ای قرآنی است.^{۱۶}

عوامل اقتصادی

در این عرصه باید از عوامل بسیاری نام ببریم که عملاً برای بسیاری از افراد زمینه‌ساز انحراف است. البته نفس این عوامل انحراف‌آفرین نیستند، بلکه شرایط دیگری چون سوء تربیت و یا عدم زمینه مقاومت‌سازی نسل در این امر جداً مؤثرند. در این عرصه مواردی را مورد بحث قرار می‌دهیم که اهم آنها عبارتند از:

۱- عامل فقر: فقر به معنی ناداری و فقیر کسی است که از حد متوسط جامعه کمتر دارد.^{۱۷} کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌های فقیر رشد می‌کنند، چنانچه از عزت نفس و غنای آن برخوردار نباشند و یا در خانه‌شان مسحت و انس کافی برای پوشش دادن فقر نباشد، ممکن است زمینه برای لغزش‌ها فراهم گردد. این امر در جوامعی بیشتر است که اکثر افراد در شرایط مناسبی باشند و زرق و برق‌ها عیان‌تر و آشکارتر باشد و یا برخی از خانواده‌ها عادت به‌رخ کشیدن داشته باشند. در چنان

گونه است مصرف غذا در چنان خانواده، و یاتهیة لباس و کفش برای چنان افراد.

۳- صنعت و فن آوری: فن آوری با همه منافعی که برای بشر پدید آورده، زمینه ساز شرایطی است که در مواردی ممکن است انحراف آفرین و موجب صدمه و سقوط باشد. سینما، ویدئو و تلویزیون ابزار خوبی برای رشد و توسعه فکر و فرهنگند، ولی اگر جهت دار و هدایت شده نباشند، صدمه آفرین اند. کودک در تلویزیون صحنه کازاته را می بیند و آن را در مدرسه به مرحله اجرا می گذارد و مایه مرگ و فناى دیگری می شود. و یا برنامه سکی خاصی در تلویزیون به نمایش گذارده می شود و نوجوان خفته ما را بی موقع بیدار می کند. به همین گونه است استفاده از ویدئو و نوارهای کاست. حتی تلفن با همه نعمتی که برای ما ایجاد می کند، می تواند باب مراده ها و ارتباطات آلوده ای را به روی نسل بگشاید. همین اتومبیل با همه مزایایی که دارد اگر به دست نوجوان دبیرستانی ما بیفتد و او از قبل هدایت و تربیت شده نباشد، می تواند صدمه آفرین باشد.

به همین جهت در پیشگیری های لازم در عرصه استفاده از صنعت ما معتقدیم که به همراه هر صنعتی باید فرهنگ و ادب آن را هم آموخت. استفاده از تلفن باید تحت ضوابطی صورت گیرد و پدر و مادر از برنامه های ویدئویی مورد استفاده فرزندان مطلع باشند. کودک و نوجوان ما حق ندارند هر قلمی را ببینند و حتی هر برنامه تلویزیونی را مورد استفاده قرار دهند.

لطفاً ورق بزیند

صورت، مسأله همان خواهد شد که رسول خدا(ص) فرمود: فقر ممکن است آدمی را به کفر بکشاند. و یا علی (ع) به فرزندش محمد حقیبه فرمود: بسرم درباره فقر تو می ترسم، از آن به خدا پناه بر^{۱۸}.

شیوه پیشگیری این است که والدین در محیط خانه از فقر خود دم نزنند، در حین صرف غذا از ناداری خود اظهار ناراحتی نکنند، سعی کنند سفره خالی خود را با محبت زینت بخشند، به فرزندان خود در سایه القآت و ارائه جنبه الگویی، عزت نفس دهند و محیط خانه را برای فرزندان گرم و صمیمی سازند، آنچنان که دلبستگی به خانواده و اعضاء نارسایی ها را جبران کند.

۲- عامل غنای افراطی: آری فقر یک بلا و مصیبت است، ولی معلوم نیست رفاه و غنای افراطی یک نعمت باشد. چه بیایند لغزش ها و انحرافات که زائیده غنای افراطی، و بی مرزی در مصرف است. آری، غنا خوبست، به شرطی که مایه حفظ آبرو و هدایت و تحت ضابطه و کنترلی در امر مصرف باشد و ما را کفایت کند.^{۱۹}

بنای زندگی را از آغاز باید بر اساس این ضرب المثل قرار داد که: "در خانه ما گردو زیاد است، ولی همه آنها شمرده شده و دارای حساب و کتاب می باشد"^{۲۰}. کودک باید در محیط غنا زندگی بکند، ولی حق اسراف و تبذیر و بی بندوباری در استفاده از مواهب را ندارد.

عدم رعایت این ضوابط، پر کردن جیب کودکان و نوجوانان از پول و تهیه وسایل و ابزار دلخواه و مورد هوس آنان، به هر گونه و صورت، خطای تربیتی بزرگی است. و به همین

می‌کنند. فرزندشان هوس بستنی و میوه دارد، اما آنها نسبت به این توقعات سهل‌انگارند، بچه‌ها غذای کافی می‌خواهند، ولی آنها خست و اکتانار^{۲۱} به خرج می‌دهند.

چشم دل بچه‌ها را باید سیر داشت. چه افتخاری برای آن کس که موجودی او در خانه و بانک رقم قابل‌اعتنایی است، ولی فرزند وی چشم به دست دیگران دارد و یا آرزو می‌کند مهمانی و ضیافتی پیش آید و او را سیری حاصل شود؟! چه فخر و افاده‌ای برای زنی که گردنبند و دستبندی گرانقیمت دارد، ولی فرزند او آرزوی فلان میوه و آجیل را داشته باشد؟!

مشی اقتصادی خانواده را در حد متوسط جامعه نگه دارید و در آنجا که کسر آورید از موجودی‌های خود استفاده کنید و ترس از این نداشته باشید که اگر آن تمام شود، چه باید کرد؟ که خدای هر روز در شأنی است^{۲۲} و پروردگار ما روزی‌رسانی نیرومند است.^{۲۳}

۶- بی‌حسابی در زندگی: این هم در خور اعتنا و به نحوی مربوط به اداره نظام خانواده در بعد اقتصادی است. شک نیست که فرزندان ما در محیط خانه، چون ما باید زندگی کنند و در مصرف و استفاده از نعمتها باید دستشان بر اساس ضوابط القایی که تدریجاً و عملاً به آنها آموخته می‌شود، باز باشد، لذا نیازی نیست که در منزل قفل و صندوق به راه اندازیم و موجودی‌های خود را دور از چشم و آگاهی کودک و نوجوان نگه داریم. ولی این شیوه هم خطاست که در خانه حساب پول و مال خود را نداشته باشیم و یا از موجودی جیب خود بی‌اطلاع بمانیم.

آری فرزندان ما دزد نیستند، ولی در معرض

۴- عامل اشتغال والدین: غرض ما کار و اشتغال والدین و اثر ناشی از غیبت پدر و مادر در ارتباط با فرزند است. برنامه کار باید متعادل باشد، آنچنان که پدر یا مادر فرصت و حوصله رسیدگی به فرزند را داشته باشند. در ساعت حضور فرزندان در خانه، منزل نباید خالی از وجود پدر یا مادر و بی‌صاحب باشد. در صورت امکان برنامه کار والدین باید به گونه‌ای تنظیم شود که همه‌گاه یکی از آنها در خانه باشد.

کثرت اشتغال، خستگی ناشی از کار، مخصوصاً برای مادران، نداشتن صبر و حوصله و فرصت کافی برای والدین در ایجاد ارتباط و انس با فرزندان، خود زمینه‌ساز جدایی‌هاست و در آن صورت فرزندان ما به دیگران پناه می‌برند، و معلوم نیست عاقبت چنان پناهندگی، بویژه پناهندگی فکری و فرهنگی برای نسل ما ارزان تمام شود.

اشتغال، یک ضرورت است، ولی پس از فراغت از کار، فوراً باید به خانه برگشت و در عین خستگی بسیار، لازم است که با تمام وجود خود را در اختیار فرزندان قرار داد. با آنها حرف زد، از آنها راجع به درس و بازی و معاشرتشان پرسید و حتی با آنها بازی کرد و در صورت امکان دقایقی به گردش و قدم زدن با آنها پرداخت.

۵- مشی اقتصادی خانواده: این هم نکته مهمی در زمینه ایجاد شرایط برای تثبیت شرافت و یا انحراف است. پسرانسی را می‌شناسیم که امکاناتی برای تهیه غذای مناسب، لباس خوب، وسایل و ابزار مورد نیاز فرزندان را دارند، ولی بر آنها سختگیری



- وسوسه‌ها قرار دارند، و ای بسا که خط وسوسه را دیگران، از دوستان و معاشران در ذهن آنها افکنده باشند، که در آن صورت امکان سقوط و انحراف وجود خواهد داشت .
- پی‌نوشتها:
- ۱- روان‌شناسی ژنتیک
 - ۲- نقش مادر در تربیت
 - ۳- الجنة تحت اقدام الامهات
 - ۴- زمینه تربیت
 - ۵- صلوا ارحامکم
 - ۶- حفظ اصالت و شرافت، خود مهمتر از حق صلۀ رحم است .
 - ۷- مثل دستوردهی‌های مختلف از سوی پدر و مادر و افراد ارشد خانه به کودک
 - ۸- در تعریف علمی هرکس که در کار تربیت است، معلم خوانده می‌شود.
- ۹- دنیای نوجوانی دختران
 - ۱۰- عوامل جرم‌زا برای کودک و نوجوان
 - ۱۱- تاریخ آموزش در اسلام
 - ۱۲- مسئولان مدرسه در ساعت تفریح، بیش از آنکه متوجه حیاط مدرسه‌اند، باید مراقب مکانهای خلوت آن باشند.
 - ۱۳- مثل پلیس‌ها و مأموران
 - ۱۴- و به هر دعوی پاسخ بگویند
 - ۱۵- وجوب امر به معروف و نهی از منکر
 - ۱۶- آیه ۹۷ سوره نساء
 - ۱۷- مفهوم فقر در اسلام
 - ۱۸- نهج البلاغه، قصار ۳۱۹
 - ۱۹- طوبی ... وقع بالكفاف
 - ۲۰- از کودکی طفل باید به حساب و کتاب آشنا باشد.
 - ۲۱- اقتدار، زندگی ممسکانه و بخور و نمیر داشتن است .
 - ۲۲- کل یوم هوفی شأن
 - ۲۳- آیه ۵۸، سوره ذاریات